

# وظایف حکومت اسلامی در سیره عملی پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ در منظومه فکری حضرت امام خمینی ﷺ<sup>۱</sup>

محمد رضا ضیایی

دکترای فقه و معارف اسلامی گرایش تاریخ اسلام و استاد همکار

پژوهشگاه بین المللی المصطفی

مصطفی جعفر پیشه فرد

استادیار و مدرس درس خارج حوزه علمیه قم

## چکیده

از میان اهل بیت فقط پیامبر اعظم ﷺ و امام علی ﷺ موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند و زعامت سیاسی جامعه اسلامی را به دست گرفتند. هر حکومتی که زعامت سیاسی یک جامعه را به عهده می‌گیرد، طبیعتاً وظایفی را در قبال افراد جامعه برعهده دارد. پیامبر اعظم ﷺ و امام علی ﷺ نیز که حکومت تشکیل دادند، افزون بر زعامت دینی، زعامت سیاسی جامعه اسلامی را نیز به عهده داشتند و این مسئله در سیره عملی آن بزرگواران به خوبی تبلور یافته است. از سوی دیگر، یکی از رهبران دینی و سیاسی جهان اسلام که با تکیه بر کتاب، سنت و سیره اهل بیت، حکومت اسلامی تشکیل داد، امام خمینی است. مسئله‌ای را که این پژوهش مورد بررسی قرار داده است، عبارت است از: «وظایف حکومت اسلامی در سیره عملی پیامبر اعظم ﷺ و امام علی ﷺ در منظومه فکری حضرت امام خمینی ﷺ». این مقاله با بهره‌بری از منابع تاریخی-روایی و بررسی اندیشه‌های حضرت امام ﷺ و بایسته‌های روش سیره‌پژوهی به این سؤال پاسخ داده است که وظایف حکومت اسلامی در سیره عملی پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ در منظومه فکری امام خمینی ﷺ چگونه بوده است؟ پژوهش حاضر از روش تحلیلی-توصیفی بهره برده و به این نتایج دست یافته است که ایجاد امنیت در جامعه، برخورد با فتنه‌گران و توطئه‌چینان و منافقان، مقابله با استثمارگران و مستکبران، اجرای عدالت و حمایت از مستضعفان از وظایف حکومت اسلامی است که در سیره عملی پیامبر اعظم ﷺ و امام علی ﷺ نمود پیدا کرده و در منظومه فکری امام خمینی ﷺ نیز متجلی شده است.

**واژگان کلیدی:** حکومت اسلامی، وظایف حکومت اسلامی، پیامبر اعظم ﷺ، امام علی ﷺ، امام خمینی ﷺ.

## مقدمه

تشکیل حکومت اسلامی در سیره عملی پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام دارای اهداف بلندی بود که این مسئله در منظومه فکری حضرت امام خمینی رحمته الله علیه نیز نمود یافته و از جایگاه خاصی برخوردار است. بعد از آن که حکومت اسلامی تشکیل شد، و شخص معصوم یا نایبان عام معصوم علیه السلام منصب حکومت را به عهده گرفت، طبیعی است که وظایفی را نیز به عهده خواهند داشت. بر این اساس، واکاوی وظایف حکومت اسلامی در سیره عملی پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام در منظومه فکری حضرت امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان یک فقیه و اسلام شناس که توانست در رأس حکومت اسلامی قرار گیرد و بر مبنای قرآن کریم، سنت اهل بیت و سیره آن بزرگواران حکومت تشکیل دهد، از اهمیت و ضرورت برخوردار است.

در این پژوهش که از شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی بهره برده است، تلاش می‌شود که وظایف حکومت اسلامی در سیره عملی پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام مورد بحث و بررسی قرار گیرد، و نیز جایگاه آن در اندیشه و کلام حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، با استفاده و بهره‌گیری از نوشتارها، بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های ایشان استخراج گردد. هرچند درباره حکومت اسلامی و وظایف حکومت اسلامی تحقیق و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است، ولی تا کنون با عنوان مذکور و به صورت جزئی که سیره عملی پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام در منظومه فکری امام خمینی رحمته الله علیه، مورد واکاوی قرار گرفته باشد، تحقیقی جامع صورت نگرفته است که این دلیل بر بدیع و نو بودن این پژوهش است.

## مفهوم‌شناسی

با توجه به نقش و جایگاه مفهوم‌شناسی در پژوهش‌های علمی و اهمیت شناخت معنای واژگان در تبیین موضوع بحث، پیش از آنکه وارد مباحث تخصصی شویم، ضرورت دارد ابتدا واژه‌ها، کلمات و مفاهیم کلیدی مورد استفاده در این پژوهش، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

## الف) سیره

واژه سیره بر وزن «فعله» از کلمه «سیر» مشتق شده است. سیر در لغت به معنای حرکت و راه رفتن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴: ۳۸۹). سیره به معنای رفتار است؛ زیرا وزن فعله در زبان عربی بر نوع، کیفیت، هیئت و حالت عمل دلالت دارد (طریحی، ۱۳۷۵، ۳: ۳۴۰؛

وظایف حکومت اسلامی  
در سیره عملی پیامبر و  
امام علی در منظومه  
فکری امام خمینی

فیومی، ۱۴۱۴، ۲: ۲۹۹). همچنین سیره به معنای حالت و چگونگی حرکت نیز به کار رفته است (بستانی، ۱۳۷۵، ۱: ۵۰۷). به همین جهت، وقتی گفته می‌شود: «جلسة العبد»، نوع و چگونگی نشستن مانند بندگان را بیان می‌کند؛ بنابراین، سیره بر وزن فعله به کسر فاء، به معنای نوع رفتار، چگونگی رفتار و کیفیت رفتار است. البته لغت‌شناسان واژه سیره را به معنای ای مانند سنت، طریقه، روش، رفتار، حالت و هیئت به کار برده‌اند؛ سیره یعنی طریقه و روش که جمع آن سیر است؛ از این رو وقتی گفته می‌شود: سیرت نیکو و سیرت زشت، منظور هیئت و حالت نیکو و زشت است (طریحی، ۱۳۷۵، ۳: ۳۴۰؛ فیومی، ۲، ۱۴۱۴: ۲۹۹).

سیره در اصطلاح به معنای چگونگی و نوع عمل است، و طبعاً تمام رفتار و اعمال انسان در قالب یک هیئت و حالتی انجام می‌شود که این چگونگی همان هیئت و حالت فعالیت آدمی است (داودی و حسین‌زاده، ۱۳۸۹: ۸). چنان‌که به معنای «سبک و قاعده رفتار» نیز آمده است (همان). بر این اساس، سیره در اصطلاح به معنای سبک، شیوه و قاعده حاکم بر رفتار شخص به کار رفته است.

#### ب) حکومت اسلامی

واژه حکومت در لغت (به ضم حاء و کاف و فتح میم)، به معنای حکم‌دادن، فرمانروایی و داوری آمده است (عمید، ۱۳۷۵: ۱۴۶). این واژه اگر با صفتی به کار رود، به نوعی رژیم سیاسی اطلاق می‌شود، مانند حکومت پارلمانی (آشوری، ۱۳۷۳: ۱۴۱). حکومت در اصطلاح به معنای گوناگون به کار رفته است؛ از جمله دستگاه اجرایی کشور، (فرهیخته، ۱۳۷۷: ۳۶۵) و مجموعه‌ای از سازمان‌های سیاسی و دستگاه‌های حاکم (همان: ۳۶۶). مراد از حکومت در پژوهش حاضر نیز مجموعه‌ای از سازمان‌های سیاسی، دستگاه حاکم و افرادی که گردانندگان اصلی یک کشور و منطقه و سیاست‌گذاران آن است، به کار رفته است؛ اما حکومت اسلامی و شرعی، حکومتی است که بر پایه اصل حاکمیت خداوند یگانه استوار شده باشد. قدرت حاکم در این حکومت، در وجود «ولی امر مسلمانان» تجسم می‌یابد، و او کسی است که چه در زمان حضور و چه در زمان غیبت، از سوی خداوند گمارده شده است (فیاض، ۱۳۹۲: ۴۹).

## وظایف حکومت اسلامی در سیره عملی پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام

حکومت اسلامی که در رأس آن معصوم قرار داشته باشد، وظایفی دارد که برای سایر حکومت‌های اسلامی جنبه الگویی دارد. به همین جهت، امام خمینی رحمته الله علیه در اداره جامعه به صورت مکرر به سیره عملی پیامبر ﷺ و امام علی رضی الله عنه تمسک داشته‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

### ۱. ایجاد امنیت در جامعه

یکی از وظایف هر حکومتی، برقراری و ایجاد امنیت در جامعه است، چنان‌که با مطالعه سیره عملی پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام نیز به این مهم پی می‌بریم. حضرت امام رحمته الله علیه نیز به این مسئله توجه داشته و درباره ایجاد امنیت در کشور به سیره عملی آن بزرگواران تمسک کرده‌اند. پیمان‌نامه‌های پیامبر ﷺ در راستای تأمین امنیت مسلمانان، مانند پیمان‌های عقبه اول (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ۱: ۲۰۸؛ ابو الریبع حمیری کلاعی، ۱۴۲۰، ۱: ۲۵۹-۲۵۸) و عقبه ثانی (مقریزی، ۱۴۲۰، ۱: ۵۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ۳: ۱۵۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ۱: ۲۹۷-۲۹۸؛ دیاربکری، بی تا، ۱: ۳۱۷-۳۱۸)، شاهد بر این مدعاست. همچنین پیامبر گرامی اسلام رحمته الله علیه بعد از حضور در مدینه منوره و تشکیل حکومت اسلامی نیز پیمان‌نامه‌هایی نوشتند که نخستین پیمان دینی در اسلام است. چنان‌که مستشرق سوئیسی «مارسل بوازار» آن را اولین معاهده بین‌المللی امنیت دسته‌جمعی دانسته است (مارسل، ۱۳۸۱: ۳۰). پیامبر رحمته الله علیه در این منشور ضمن حقوق اقلیت‌ها (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۴۸۳)، به امنیت مسلمانان نیز توجه کرده است (ابن زنجویه، ۱۴۰۶، ۱: ۳۳۴-۳۳۱؛ ابن هشام، بی تا، ۱: ۵۰۴-۵۰۱؛ حسینی، ۱۳۸۲: ۲۳۲). حضرت امام رحمته الله علیه به این پیمان نیز اشاره نموده است (خمینی، ۱۴۳۴: ۲۶)؛ بنابراین، ایجاد امنیت از وظایف حکومت اسلامی است و پیامبر اعظم رحمته الله علیه و امام علی علیه السلام در زمان حکومتشان به این مهم اهمیت داده‌اند. حضرت امام رحمته الله علیه نیز با استناد به سیره آن بزرگواران، مسئله امنیت را محور اساسی حکومت معرفی کرده است.

### ۲. برخورد با فتنه‌گران و توطئه‌چینان

یکی از وظایف مهم هر دولت و حکومتی، برخورد با توطئه‌گران داخلی و خارجی است. طبیعتاً بعد از آن که حکومتی اسلامی یا غیراسلامی تشکیل می‌شود، منافع شخصی، اجتماعی و اقتصادی یک عده به خطر می‌افتد، از این رو آنها برای حفظ موقعیت و منافع و مطامع خویش،

وظایف حکومت اسلامی  
در سیره عملی پیامبر و  
امام علی در منظومه  
فکری امام خمینی

دست به توطئه علیه حکومت می‌زنند؛ حتی حکومت‌های صدر اسلام مانند حکومت نبی مکرم اسلام ﷺ در مدینه و حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کوفه نیز از این قاعده مستثنی نبودند و توطئه‌گران همواره دست به کار بودند، و علیه حکومت نوپای اسلامی فعالیت می‌کردند. در جمهوری اسلامی نیز بعد از آنکه حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه حکومت تشکیل داد، ایشان با استناد به سیره اهل بیت علیهم‌السلام با توطئه‌گران و آنانی که قابل اصلاح نبودند، گاهی برخوردهای بسیار جدی داشت. ایشان در هفدهم اردیبهشت ۱۳۵۸ شمسی در سخنرانی‌ای که در جمعی از عشایر داشت، ملت و عشایر ایران را به برخورد جدی با منافقان و توطئه‌گران تشویق نمود (خمینی، ۱۳۸۹، ۷: ۲۰۰-۲۰۱).

این دیدگاه حضرت امام رحمته‌الله علیه برگرفته از سیره درخشان پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در برابر توطئه‌گران و مفسدان است. ایشان معتقد بودند که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با آنکه رحمة للعالمین است، ولی در برابر مفسدان و توطئه‌گران جامعه به شدت برخورد داشته‌اند. چنان‌که وقتی یهودیان بنی قریظه علیه اسلام فتنه‌گری کردند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنان را مجازات کرد (همو، ۱۳۹۲: ۲۲۲-۲۲۳).

حضرت امام به برخورد پیامبر اعظم با یهودیان بنی قریظه که نقض پیمان نموده، و علیه آن حضرت و حکومت اسلامی توطئه کردند، و مسلمانان را در معرض تهدید قرار دادند و کودکان و زنان مسلمان را به هراس افکندند، استناد کرده است (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ۲: ۲۲۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ۱۴: ۳۶۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ۴: ۱۰۳؛ رازی، ۱۳۷۹، ۱: ۲۵۸؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ۳: ۴۰۳؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ۳: ۳۸۴) و فرموده است که پیامبر گرامی اسلام با این فتنه‌گران و توطئه‌چینان برخورد نموده، و آنان را به مجازات و سزای عمل زشتشان رسانید (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۵۱۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۲: ۶۰۳؛ ابن هشام، بی تا، ۲: ۲۴۱). بدین ترتیب، در عین حال که از اصول حاکم در سیره اهل بیت، تعامل و همزیستی با مخالفان بود، اما این تعامل و همزیستی به هیچ وجه شامل آن توطئه‌گران و فتنه‌چینان که اصل و اساس اسلام را نشانه رفته بودند و می‌خواستند اصل و بنیان اسلام را نابود نمایند، نمی‌شد. به همین جهت، حضرت امام نیز در برابر فتنه‌گران و توطئه‌گران کوتاه نمی‌آمد. ایشان در این باره به سیره امام علی نیز تمسک نموده و فرموده‌اند:

«امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - با آن همه عطوفت، با آن همه رحمت، وقتی که ملاحظه فرمود خوارج مردمی هستند که فاسد و مُفسد هستند، شمشیر کشید و تمام آنها را، آلا بعضی که فرار کردند، از دم شمشیر گذراند. در وقت رحمت، رحمت؛ و اگر

کسانی لایق رحمت نباشند؛ انتقام و غضب» (خمینی، ۱۳۹۲: ۲۲۳).

این سخنان حضرت امام علیه السلام ناظر به فتنه خوارج است که علیه امام علی علیه السلام و حکومت نوپای آن حضرت دسیسه نمودند و با آن اندیشه‌های تند و افراطی و کج‌روی‌های عقیدتی‌ای که داشتند، اساس اسلام را زیر سؤال بردند، و علیه امام علی علیه السلام که اسلام مجسم بود، شمشیر کشیدند. بر این اساس امام علی علیه السلام در برابر این گروه از فتنه‌گران خاموش ننشست، و در برابر آنها قیام نموده، و آنان را به سزای عملشان رساند (رضی، ۱۳۷۹، مترجم، دشتی: ۱۷۳).

بنابراین، انسان مؤمن و پایبند به نظام اسلامی در زمان فتنه باید زیرک باشد و نقشه توطئه‌چینان و فتنه‌گران را با روشنگری خنثی نمایند و آنان که در فتنه‌ها سکوت می‌کنند و حتی ابراز و اظهار برائت نمی‌کنند، به‌نوعی همراهی با فتنه‌گران محسوب می‌شود. بدین‌وصف حضرت امام علیه السلام در بیانات و موضع‌گیری‌های خویش در برابر فتنه‌گران و توطئه‌چینان علیه نظام اسلامی، به سیره اهل بیت علیهم السلام تمسک نموده‌اند، و این نشان می‌دهد که سیره اهل بیت علیهم السلام در اندیشه و کلام آن بزرگوار از جایگاه و مقام بالایی برخوردار است.

وظایف حکومت اسلامی  
در سیره عملی پیامبر و  
امام علی در منظومه  
فکری امام خمینی

### ۳. مقابله با استعمارگران و مستکبران

یکی دیگر از وظایف حکومت مقابله با استعمارگران است. حضرت امام علیه السلام نسبت به این مسئله بسیار حساس بوده و بعد از تشکیل حکومت اسلامی، همه افراد جامعه و مسئولین را به برخورد با تبلیغات زهرآگین استعمار و استعمارگران و خنثی نمودن طرح‌های پلید و غیرانسانی آنان تشویق نموده است (خمینی، ۱۳۸۷: ۶۱ و ۶۳). ایشان معتقد است اگر شخص مسلمان برای حفظ دین و ایمان و شرافت و میهنش توسط جنایت‌کاران و استعمارگران به شهادت برسد، بهتر از آن است که زیر پرچم استعمار برود و مستعمره آنان گردد (همو، ۱۳۸۹، ۲۱: ۴۴۰). این سخنان حضرت امام علیه السلام امروز نیز باید آویزه گوش جامعه اسلامی باشد؛ سخنانی که شاید اشاره و تاسی به سیره عملی و سخنان امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا باشد که فرمود: «مَوْتُ فِی عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِی ذُلٍّ». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۴: ۶۸).

به همین جهت حضرت امام علیه السلام مذاکره و سازش با ظالمان را تأیید نمی‌کند و معتقد است که سازش با ظالمان، ابرقدرت‌ها و مستکبران، خود ظلمی بزرگ بر مظلومین، بلکه بر تمام بشریت است. بر این اساس وقتی عده‌ای به ایشان اعتراض می‌کنند که چرا با قدرت‌های غربی

و شرقی سازش نمی‌کنید؟ ایشان در جواب به سیره انبیاء و اولیاء الهی استناد نموده که با ظالمان و فاسدان سازش نکردند (خمینی، ۱۳۸۹، ۱۸: ۵۰۰).

بر این اساس، یکی از وظایف مهم انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام مقابله با مستکبران و استثمارگران بوده است که در حکومت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام نیز تبلور پیدا کرده است. حضرت امام علیه‌السلام به سیره حکومتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام استناد داشته‌اند.

#### ۴. حفظ و انتشار دین مقدس اسلام

یکی دیگر از وظایف حکومت اسلامی، حفظ و انتشار دین مقدس اسلام است. همه انبیای الهی، از جمله پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که مبعوث به رسالت شدند و حکومت اسلامی تشکیل دادند، از جانب خداوند متعال وظایفی بر عهده داشتند که آن وظایف یقیناً منحصر به نمازخواندن، بیان احکام و مسجد نشستن نبوده است؛ بلکه وظایفی بالاتر و سنگین‌تری نیز بر عهده داشتند که عبارت است از نشر دین مقدس اسلام در سایه نظام عادلانه. یعنی ابتدا باید نظامی عادلانه بر مبنای قوانین اسلامی تشکیل شود که در چارچوب این نظام به تبیین معارف اسلامی و نشر دین مقدس اسلام پرداخته شود (خمینی، ۱۴۳۴: ۷۰).

حضرت امام علیه‌السلام معتقد بود که علمای اسلام نباید فقط در مسجد بنشینند و احکام بگویند و مردم را به عبادت کردن خداوند فراخوانند، بلکه باید به صحنه سیاست نیز ورود پیدا نمایند، نظام اسلامی تشکیل دهند و در سایه‌سار نظام و حکومت اسلامی به تبلیغ و نشر دین مقدس اسلام بپردازند (همان). ایشان معتقد بودند که در غالب انقلاب‌های اسلامی، علمای اسلام نقشی به‌سزا داشته‌اند (همو، ۱۳۸۹، ۲۱: ۲۷۵). حضرت امام علیه‌السلام در این باره به سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تمسک نموده و می‌فرماید:

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مقصدشان این نبود که مشرکین مکه را از بین ببرند؛ یا مشرکین جزیره العرب را از بین ببرند؛ مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند؛ و حکومت، حکومت قرآن باشد؛ حکومت اسلام باشد...» (همان، ۸: ۴۱).

حضرت امام علیه‌السلام معتقد بودند که حتی جنگ‌های پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز با هدف انتشار دین اسلام بوده است، پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قصد کشورگشایی نداشت، بلکه می‌خواست دین اسلام را منتشر نماید و چون مشرکان سد راه انتشار دین اسلام بود، منجر به نزاع و جنگ می‌شد. ایشان می‌فرماید:

جنگ‌های زیادی که پیغمبر اکرم فرموده است همه برای این معنا بوده است که موانع را از سر این مقصد الهی، مقصد اعلی که دارند، و آن تحکیم حکومت اسلامی، حکومت الله، حکومت قرآن همه برای این بود (همان).

از منظر حضرت امام علیه السلام انتشار دین مقدس اسلام در قالب حکومت اسلامی، یک اصل است. ایشان معتقد است که تمام جنگ‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مشرکان و معاندان نیز به‌خاطر همین اصل بوده است. به همین جهت ایشان با استناد به سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکی از اهداف جمهوری اسلامی ایران را اجرای احکام اسلام می‌داند. ایشان معتقد است که در ایران انقلاب صورت گرفت و به پیروزی رسید که احکام الهی در جامعه اسلامی اجرا شود و احکام اسلام در این مملکت جریان پیدا بکند (همان).

بدین ترتیب، ایشان هدف اصلی حکومت اسلامی را انتشار و حفظ دین مقدس اسلام و اجرای احکام و قوانین اسلامی در جامعه دانسته و در این مسئله به سیره عملی انبیای الهی استناد می‌کند:

مسئله اساسی ما این نبود که رژیم سلطنتی برود و قطع ایادی دیگران بشود، اینها همه مقدمه بود برای مسئله اساسی ما؛ و آن اسلام است. انبیا که جنگ می‌کردند با مخالفین توحید مقصدشان این نبود که جنگ بکنند و طرف را از بین ببرند، مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند؛ دین حق را در عالم منتشر کنند (همان). این دیدگاه حضرت امام علیه السلام ناظر به سیره عملی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در تشکیل حکومت و جنگ‌هایی است که با دشمنان اسلام داشته است. به‌عنوان نمونه، اگر سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در صلح حدیبیه در ظاهر به ضرر مسلمانان بودند (واقعی، ۱۴۰۹، ۲: ۶۰۶-۶۰۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۶: ۷۷)، اما چون برای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مسلمانان شرایطی را مهیا می‌کرد که اجازه تبلیغ دین مقدس اسلام، تبیین معارف اسلامی و بیان احکام الهی داده می‌شد، پیامبر صلی الله علیه و آله این صلح را پذیرفت (بیهقی، ۱۴۰۵، ۴: ۱۵۰؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ۵: ۵۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ۱: ۲۹۵-۲۹۶).

بنابراین، از نظر حضرت امام علیه السلام یکی از وظایف مهم حکومت‌های اسلامی، حفظ و انتشار دین مقدس اسلام است که امروزه از راه جنگ‌های فیزیکی نخواهد بود، بلکه از راه تبلیغ درست دین مقدس اسلام، مبارزه با منحرفین و کسانی که قصد براندازی نظام مقدس

وظایف حکومت اسلامی  
در سیره عملی پیامبر و  
امام علی در منظومه  
فکری امام خمینی



اسلام را دارد، می‌توان به حفظ دین مقدس اسلام و گسترش آن پرداخت. از وظایف حکومت اسلامی است که در این راستا گام‌های جدی‌تری بردارد، و افراد متخصص در زمینه‌های مختلف تربیت نماید تا شبهاتی را که دشمنان اسلام در هر لباس و با هر عنوانی که هستند، و علیه دین اسلام ایجاد می‌کنند، پاسخ علمی و محکم دهند.

## ۵. اجرای عدالت

اجرای عدالت در جامعه اسلامی، یکی دیگر از وظایف هر حکومت، به‌ویژه حکومت اسلامی است. حضرت امام علیه السلام نسبت به اجرای عدالت در جامعه اسلامی تأکید فراوان دارد. به همین جهت، وقتی رادیو بی‌بی‌سی در مصاحبه‌ای که با حضرت امام علیه السلام داشتند، از وی پرسید شما که مردم را به درگیری با دولت دعوت می‌کنید، آیا نگران خونریزی و کشتار مردم نیستید؟ حضرت امام در جواب فرمود:

برای تحصیل هر حقی البته فداکاری لازم است... مردم برای عدالت و برای حقوق از دست رفته خود، همیشه قیام کرده‌اند، همیشه خون داده‌اند. ما نگرانی از این بابت نداریم، برای اینکه اطاعت خدا می‌کنیم (خمینی، ۱۳۸۹، ۵: ۱۷۱).

حضرت امام علیه السلام در مورد اجرای عدالت در حکومت اسلامی و توسط حاکمان اسلامی به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام نیز تمسک نموده است. ایشان در مورد گلکاری یکی از خواهران شاه که در آن زمان او حدود ۳۵ میلیون را فقط در تزیین یکی از ویلاهایش خرج نموده بود، واکنش نشان داد و در این امر مهم به سیره امام علی علیه السلام تمسک نمود که وقتی طلحه و زبیر بر آن حضرت وارد شد، حضرت چراغ بیت‌المال را خاموش نمود، و چراغ شخصی خویش را روشن نموده و فرمود تا الآن کارهای بیت‌المال را انجام می‌دادم، اما شما که آمدید، کار شخصی شد (همان، ۴: ۱۸۰). حضرت امام علیه السلام با تبیین این گزاره‌های تاریخی، از اجرای عدالت توسط امام علی علیه السلام برای همه افراد جامعه، به سیره آن حضرت استناد نموده و آرزوی یک حکومت اسلامی مانند امام علی علیه السلام را دارد.

بدین ترتیب یکی از دغدغه‌های حضرت امام علیه السلام، اجرای عدالت در جامعه اسلامی است که در موارد متعددی استناد به سیره عملی اهل بیت علیهم السلام داشته‌اند، و این نشان می‌دهد که سیره اهل بیت علیهم السلام در اندیشه و کلام وی از جایگاه خاصی برخوردار است.

## ۶. برخورد با منافقین

یکی دیگر از وظایف مهم حکومت‌های اسلامی، برخورد با منافقان در جامعه و قلمرو حاکمیت اسلامی است. حضرت امام علیه السلام منافقان را در ضمن تفسیر سوره منافقین معرفی می‌کند که آنان در ظاهر اظهار دیانت و اسلام می‌کنند و لکن در واقع و حقیقت مسلمان نیستند و منافق‌اند (همان، ۹: ۳۳۶). حضرت امام علیه السلام ضرر منافقین به اسلام را از ضرر کفار بیشتر می‌داند (همان، ۱۷: ۱۹۲-۱۹۳)؛ بنابراین از دیدگاه حضرت امام علیه السلام در جامعه و حکومت اسلامی، خطر منافقین بیشتر از خطر کفار است، زیرا منافقین با لباس خودی وارد جامعه می‌شود، و به صورت غیر ملموس بر پیکر اسلام ضربه می‌زنند، اما کفار مشخص است و مردم می‌دانند که دشمن و آماده مقابله است. بر این اساس، ایشان در جواب کسانی که می‌گفتند پیامبر صلی الله علیه و آله با کفار هم صلح می‌کرد و به آنان مهلت می‌داد، فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به منافقین مهلت نمی‌داد و با آنان به شدت برخورد می‌کرد:

اما به منافقین که در ظاهر می‌خواهند عبادت کنند و مثل آنهایی که در زمان حضرت امیر سلام الله علیه بودند و پینه هم در جبین‌هایشان بود، به یک همچو اشخاصی هم مهلت می‌داد؟ ... (همان، ۱۷: ۴۹۵-۴۹۶).

وظایف حکومت اسلامی  
در سیره عملی پیامبر و  
امام علی در منظومه  
فکری امام خمینی

حضرت امام علیه السلام در این بیاناتش از استفهام انکاری استفاده نموده و معتقد است که به مشرکین که وضعیت مشخص است و قصد براندازی نظام اسلامی را دارند، نباید مهلت داده شود؛ بلکه با آنها با قاطعیت برخورد شود. چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله دستور به قتل ابوعفک منافق داد. (مقدسی، ۱۳۷۴، ترجمه شفعی کدکنی، ۲: ۶۸۶؛ مسعودی، ۱۳۶۵، ترجمه ابوالقاسم پاینده: ۲۱۹؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ۶: ۲۳). همچنین آن حضرت مسجد ضرار که در واقع همان مسجد نفاق بود را تخریب و به آتش کشید (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ۱: ۳۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ۵: ۳۹). همان طوری که عصماء دختر مروان که از زنان منافق بود و پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان را هجو می‌کرد، به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به قتل رسید (ابن هشام، بی‌تا، ۲: ۶۳۷؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۳: ۱۲۱۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ۴: ۴۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ۴: ۵۹۹؛ بلاذری، ۱۳۹۴، ۱: ۳۷۳).

بنابراین، یکی از راه‌های مقابله با منافقین، افشاگری و شناساندن آنان به جامعه است. چنان‌که حضرت امام علیه السلام این مسئله را به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله استناد نموده است.

## ۷. اجرای قانون

یکی دیگر از وظایف مهم حکومت اسلامی، قانون‌محوری و برخورد با هرج و مرج است. حکومت و نظام اسلامی، علاوه بر این که قوانین را بر مبنای کتاب و سنت جعل می‌کند، خود مسئولان و سرمداران حکومت نیز باید به قوانین اسلامی پایبند باشند. در غیر این صورت، جعل قانون و فراخواندن دیگران به رعایت آن کاربرد و اثری که باید داشته باشد را نخواهد داشت، و شامل آن ضرب‌المثل که برگرفته از سیره پیامبر ﷺ است، می‌شود که «رطب خورده کی منع رطب کند؟». سیره عملی پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز بدین صورت بوده است، یعنی علاوه بر این که خود قانون‌گذار بودند، خود مطیع قانون نیز بودند، و از قوانین اسلام تبعیت می‌کردند. حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه نیز با توجه به سیره اهل بیت علیهم‌السلام در تبعیت از قوانین، اطاعت از قانون و قانون‌محوری را امری بسیار مهم می‌دانستند. چنان‌که در حکومت امام علی رضی‌الله عنه این‌گونه بود (خمینی، ۱۳۸۹، ۴: ۳۹۷)؛ بنابراین در حکومت اسلامی باید قوانین اسلامی حاکم باشد، و همه افراد جامعه نیز باید از قوانین اسلامی حکومت تبعیت نمایند. از دیدگاه حضرت امام رحمته‌الله علیه اگر کسی در حکومت اسلامی خلافی مرتکب شود که مخالف قوانین اسلام و قوانین حکومت اسلامی باشد، باید مجازات شود؛ و اگر از طبقه حاکمان و سرمداران حکومت بود، از نظر قوانین اسلامی، خودبه‌خود عزل شده است و دیگر حق حاکمیت ندارد و نباید در کارهای حکومتی فعالیت نماید. اگر هم با این وضعیت به فعالیت خویش ادامه دهد، دیکتاتور به حساب می‌آید و باید در محضر قاضی اسلامی کشیده شود و جواب پس بدهد. ایشان این مطلب را به سیره امام علی رضی‌الله عنه استناد نموده‌اند که آن حضرت در حالی که به‌عنوان حاکم اسلامی که بخش عمده‌ای از جهان اسلام تحت قلمرو ایشان بود، وقتی فردی از ایشان شکایت نمود، در دادگاه و در محضر قاضی که خود حضرت آن را تعیین کرده بود، حاضر شد (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ۸: ۴؛ ثقفی، ۱۳۹۵، ۱: ۱۲۴). حضرت امام رحمته‌الله علیه در موارد دیگر نیز به اجرای قانون در حکومت اسلامی اشاره نموده و آن را به سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام استناد کرده است. ایشان می‌فرماید:

در اسلام حکومت، حکومت قانون است. حتی حکومت رسول الله، حکومت امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - حکومت قانون است. یعنی قانون آنها را سرکار آورده است. أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء: ۵۹). حکم خداست. آنها به حکم قانون، واجب‌الاطاعه هستند. پس حکم مال قانون است؛ قانون حکومت

می‌کند در مملکت اسلامی؛ غیر قانون هیچ حکومتی ندارد» (خمینی، ۱۳۸۹، ۸: ۲۸۱).

در جای دیگر حکومت پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام را حکومت قانون معرفی نموده و معتقدند که ایشان لحظه‌ای نیز از خط قانون تخطی نکردند:

در صدر اسلام در دو زمان، دو بار حکومت اصیل اسلام مُحَقَّق شد. یک زمان رسول الله و دیگر وقتی که در کوفه علی بن ابی طالب -سلام الله علیه- حکومت می‌کرد. در این دو مورد بود که ارزش‌های معنوی حکومت می‌کرد؛ یعنی یک حکومت عدل برقرار و حاکم ذره‌ای از قانون تخلف نمی‌کرد. حکومت در این دو زمان، حکومت قانون بوده است» (همان، ۱: ۱).

سخنان حضرت امام پیغمبر ناظر به سیره پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام در اجرای قوانین اسلامی برای همه افراد جامعه است. پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام همان‌گونه که دیگران را به رعایت قانون و پرهیز از هرج و مرج توصیه می‌کردند، خود نیز به رعایت قانون و اجرای آن اهمیت می‌دادند. چنان‌که امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر نوشت:

عَلَيْكَ بِالْعَدْلِ فِي حُكْمِكَ إِذَا انْتَهتِ الْأُمُورُ إِلَيْكَ وَ الْأَزِمِ الْحَقُّ مَنْ كَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَ  
الْبَعِيدِ وَ كُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

وقتی کاری به تو سپرده شد، در قضاوت به عدالت حکم نما و حق و قانون را درباره هر کس از نزدیک و دور جاری کن، و در این کار شککیا باش و خدا را در نظر بگیر. امام علی علیه السلام آن‌چنان به قانون و اطاعت از آن، پایبند بود که دخترش را به‌خاطر عاریه گرفتن گردنبد از بیت‌المال مسلمین، توبیخ نمود (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۰: ۱۵۱؛ ورام، ۱۴۱۰، ۲: ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ۱۰: ۲۳۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۵: ۵۵۴-۵۵۳). همچنین آن حضرت خود را در برابر قانون، با اهل ذمه که در کشور اسلامی زندگی می‌کرد، مساوی می‌دانست (متقی هندی، ۱۴۰۱، ۷: ۲۴؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ۱۰: ۲۳۰). بر این اساس، حضرت امام پیغمبر حکومت اسلامی را حکومت قانون معرفی می‌کند و معتقد است که خود حاکم اسلامی نیز مانند سایر مردم نباید از قانون تخطی نماید.

وظایف حکومت اسلامی  
در سیره عملی پیامبر و  
امام علی در منظومه  
فکری امام خمینی

باتوجه به سیره امام علی علیه السلام و استناد حضرت امام خمینی ره به آن، اجرای قانون و تساوی آن در حق همه افراد جامعه الزامی و ضروری است؛ زیرا در غیر این صورت یک عده خود را فوق قانون دانسته و در جامعه و نظام اسلامی شکاف و شقاق ایجاد خواهند نمود.

## ۸. حمایت از مستضعفان

یکی دیگر از وظایف مهم حکومت اسلامی، حمایت از مستضعفان است. حکومت اسلامی همان طور که باید با قلدران و زورگویان مبارزه نماید، از مستضعفان و محرومان جامعه نیز باید حمایت کند. چنان که این مهم، سیره انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام نیز بوده است. حضرت امام خمینی ره به عنوان فقیه عالی رتبه، متفکر و اسلام شناس برجسته جهان اسلام، حمایت از مستضعفان و مبارزه با ستمگران، قلدران، و مستکبران را سرلوحه کار خویش و حکومت اسلامی قرار داد.

حضرت امام ره وقتی مبارزه با مستکبران و حمایت از مستضعفان را مطرح می کند، به سیره عملی اهل بیت علیهم السلام و انبیای الهی استناد کرده و معتقد است که انبیا خود مستضعف و حامی مستضعفان بودند (خمینی، ۱۳۸۹، ۹: ۳۹۶). ایشان با توجه به سیره انبیا الهی حمایت از مستضعفان را وظیفه حکومت اسلامی می دانستند. ایشان در پیامی به مناسبت برائت از مشرکان، مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله را مخاطب قرار داده، فرمود:

خدا نیامورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذ الله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست (همان، ۲۰: ۳۴۱).

البته واضح است که منظور حضرت امام ره از ثروتمندان و اغنیاء، آن دسته از ثروتمندانی است که با زور و قلدری مال مردم و بیت المال مسلمین را تصاحب کرده و برای خویش دم و دستگاهی درست نمایند، نه فردی که با کار و تلاش و تولید به ثروت و مکنت رسیده باشد. امام علی علیه السلام آن چنان به دفاع از مستمندان و مستضعفان اهمیت می داد که حتی کافر ذمی را نیز از بیت المال مورد حمایت قرار داد (طوسی، ۱۴۰۷، ۶: ۲۹۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۰: ۴۴۶؛ حرعاملی ۱۴۰۹، ۱۵: ۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ۱۰: ۱۹۱). آن حضرت با خیانت کاران که با سوءاستفاده از منصب و مقام خود ثروت اندوزی کرده بود، برخورد می کرد (ابن حیون،

۱۳۸۵، ۲: ۵۳۲؛ نوری، ۱۴۰۸، ۱۷: ۳۷۹؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ۳۰: ۴۷۷-۴۷۶؛ همو، ۱۳۸۶، ۳۰: ۱۱۲۹)؛ بنابراین حمایت از مستضعفان، یکی دیگر از وظایف حکومت اسلامی به حساب می‌آید که در سیره عملی پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام وجود داشته و حضرت امام خمینی نیز به آن استناد و تأسی داشته است.

## ۹. پرهیز از اسراف و تبذیر

یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی، پرهیز اسراف و تبذیر است. هرچند میان اسراف و تبذیر تفاوت معنایی وجود دارد، ولی هر دو به زیاده‌روی در مصرف نعمت‌های الهی اطلاق می‌شود. اسراف، به بیش از حد نیاز مصرف کردن و تبذیر نابودکردن نعمت بدون مصرف آن گفته می‌شود. پرهیز از اسراف برای مسئولان حکومتی که متصدی اداره امور جامعه هستند، اولویت بیشتری دارد؛ زیرا آنها الگوی جامعه هستند. اسلام، اسراف و تبذیر را جایز نمی‌داند. امام علی علیه السلام در یکی از نامه‌های خود به زیاد بن ابیه، وی را از اسراف منع کرده است: «فَدَعَ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِدًا»، اسراف را کنار بگذار و میانه‌روی را پیشه نما (نهج البلاغه: نامه ۲۱)...

وظایف حکومت اسلامی  
در سیره عملی پیامبر و  
امام علی در منظومه  
فکری امام خمینی

این نامه امام علی علیه السلام اشاره به سفره‌های رنگین زیادبن ابیه، کارگزار امام علی علیه السلام در استخر فارس است (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ۱: ۱۳۹؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸، ۳: ۱۶۹). امام خمینی نیز با تأسی به سیره معصومین، مصرف‌گرایی زیاد و حتی مصرف بیش از حد نیاز در آب و برق را نه تنها نادرست و حرام می‌داند، بلکه آن را ضمان‌آور دانسته و شخص را نسبت به جامعه مدیون می‌شمارد (خمینی، ۱۳۷۲، ۲: ۶۲۱-۶۲۲). چنان‌که ایشان در مورد صرفه‌جویی امام علی علیه السلام فرموده است:

«وقتی که دو پیراهن خرید؛ یکی را که بهتر بود به قنبر (مستخدم خود) داد و پیراهن دیگر را... بر تن کرد» (همو، ۱۴۳۴: ۴۵).

این روایت در مورد سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در منابع مختلف روایی و تاریخی ذکر شده (ثقفی، ۱۳۹۵، ۱: ۶۶؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۱: ۱۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۰۱) و در برخی روایات دارد که حضرت زیادی آستینش را به قنبر داد و فرمود برای فقرا کلاه درست نماید (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۲: ۹۷) که این نهایت صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف و تبذیر را در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام را نشان می‌دهد. حضرت امام با توجه به این روایات به سیره

امیرالمؤمنین علیه السلام تمسک نموده است. یکی دیگر از مصداق صرفه‌جویی در سیره عملی امام علی علیه السلام در زمان خلافت ایشان، دستور به صرفه‌جویی در مصرف بیت‌المال به برخی عمال و کارگزارانش است. حضرت خطاب به آنان نوشت:

نوک قلم‌هایتان را تیز کنید، سطرها را نزدیک هم قرار دهید، مطالب اضافی را از متن حذف کنید، فقط مسائل لازم را بنویسید و از زیاده‌روی در نوشتن بپرهیزید، زیرا اموال مسلمانان تحمل ضرر و زیان را ندارد (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱: ۳۱۰).

حضرت امام علیه السلام به این مسئله توجه داشته و به مناسبت عید سعید غدیر خم و مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، وظیفه حکومت در برابر بیت‌المال مسلمین را بیان می‌کند و به این سیره عملی امام علی استناد می‌نماید (خمينی، ۱۳۸۹، ۱۹: ۳۷۴)؛ بنابراین پرهیز از اسراف، یکی از وظایف حکومت اسلامی به حساب می‌آید.

#### ۱۰. ترویج ساده‌زیستی

ساده‌زیستی برای همه افراد جامعه ارزش عقلانی و انسانی به حساب می‌آید، اما برای مسئولان و مدیران جامعه یک ضرورت لازم است؛ زیرا مردم به رفتار و کردار مسئولان می‌نگرند و آنان را الگو قرار می‌دهند. امام علی علیه السلام به عثمان بن حنیف از کارگزاران آن حضرت در بصره، نامه نوشت و گوشزد کرد که مانند امام و مقتدای خود زندگی نمایید. امام خطاب به آنها فرمود:

آگاه باشید که امام شما از دنیا به دو لباس کهنه، و از خوراکی به دو قرص نان بسنده کرده است... (نهج البلاغه: نامه ۴۵).

حضرت امام علیه السلام درباره ساده‌زیستی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام می‌فرماید: حضرت امیر -سلام الله علیه- که خلیفه مسلمین بود،... یک پوست داشتند که شب خودش و حضرت فاطمه رویش می‌خوابیدند و روز روی همین پوست علوفه شترش را می‌ریخت. پیغمبر هم همین شیوه را داشت (خمينی، ۱۳۸۹، ۱: ۴۲۸-۴۲۹).

ایشان معتقد است کوخ منشأ برکت است نه کاخ‌های سر به فلک کشیده همراه با تجمل و زرق و برق. سپس به زندگی محقرانه امام علی علیه السلام اشاره نموده و گوشزد می‌کنند که ایشان در

حدّ پایین‌ترین افراد جامعه زندگی می‌کرد، با وجود آنکه حضرت در آن روز بر پهنه وسیعی از جهان اسلام حکومت داشت (خمینی، ۱۴۳۴: ۴۶).

### ۱۱. صداقت و راستی محوری

صداقت و راستی محوری، رکنی اساسی در امنیت به‌ویژه امنیت اجتماعی است. این امر مهم برای مسئولان حکومت اسلامی از اهمیت دوچندان برخوردار است. امام علی علیه السلام در عهدی که به مالک‌اشتر داده است، به این ویژگی مهم اشاره نموده، و به لزوم پیوندهای اجتماعی با راست‌گویان تأکید کرده و فرموده است:

وَالصِّقُّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصَّدِّقُ؛ به پرهیزگاران و راست‌گویان ببیوند (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

حضرت، صداقت و راستگویی را به گونه‌ای دیگر نیز مورد توجه قرار داده و شفاف‌سازی را که از مصادیق صداقت به حساب می‌آید، یکی از مهمترین اقدامات برای سامان‌بخشی روابط اجتماعی، به‌ویژه مسئولان و مردم دانسته است. به همین جهت به مالک‌اشتر نوشته است: «اگر شهروندان درباره تو ستم روا داشتند و گمان بد بردند، دلیل خود را به طور شفاف آشکار کن و با این شفاف‌سازی گمان‌های ایشان را از خود برگردان» (همان)؛ بنابراین، صداقت و راستی محوری از وظایف مهم حکومت اسلامی است. اگر مسئولان حکومت اسلامی به این مهم توجه کنند، و زندگی اجتماعی خویش را به سوی صداقت و راستی محوری سوق دهند، تعامل و ایجاد همبستگی میان افراد و گروه‌ها، تأثیرگذار خواهد بود. حضرت امام می‌فرماید: همانا علی علیه السلام، نرسید بدان پایه که رسید پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله، مگر به راستی گفتار و دادن امانت (خمینی، ۱۳۸۰: ۴۷۷).

### ۱۲. رعایت انصاف

انصاف‌ورزی یکی از ارکان زندگی اجتماعی به حساب می‌آید که ریشه در فطرت انسان دارد. انصاف از اموری است که انسان در جامعه به طور فراوان با آن مواجه می‌شود و رعایت آن تأثیر زیادی در روابط اجتماعی و خانوادگی دارد. یک مسئول منصف در حکومت اسلامی، به‌خاطر وضع مالیات سنگین بر مردم، آنان را تحت فشار اقتصادی قرار نمی‌دهد. چنان‌که امام علی علیه السلام در یکی از نامه‌های خود به یکی از کارگزاران جمع‌آوری مالیات فرمود: «فَأَنْصِفُوا

وظایف حکومت اسلامی  
در سیره عملی پیامبر و  
امام علی در منظومه  
فکری امام خمینی



النَّاسِ مِنْ أَنْفُسِكُمْ...». در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید. از منظر امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ انصاف بر پایه‌ای از اهمیت است که ترک آن چه‌بسا منجر به ستم می‌شود؛ چنان‌که در نامه‌ای به مالک‌اشتر نیز بدان تصریح کرده است (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳)؛ بنابراین، رعایت انصاف صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه امری مهم‌تر از آن است که اگر کسی رعایت نکند، مرتکب ظلم می‌شود. حضرت امام خَمِينِي در مورد اهمیت انصاف می‌فرماید: «پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همان زمان خودش با یک عده فقیر، مملکت حجاز را فتح کرده و عدل و انصاف را تا آخر حجاز برده است» (خمینی، ۱۳۸۹، ۴: ۳۲۱).

### نتیجه

حکومت اسلامی که توسط پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه تأسیس گردید و توسط امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ ادامه پیدا نمود، وظایفی در برابر جامعه اسلامی به عهده داشت که در سیره عملی آن بزرگواران تجلی پیدا کرده است. امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ که از فقیهان و اسلام‌شناسان بزرگ جهان اسلام به حساب می‌آید، نیز توفیق یافت تا بر اساس قرآن کریم، سنت و سیره معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حکومتی اسلامی را پایه‌گذاری نماید. با تحقیق و جستجو در گفتار و رفتار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به‌عنوان حاکمان جامعه اسلامی، این نتیجه به دست آمد که آن بزرگواران وظایفی را در قبال جامعه انجام دادند؛ یعنی در ایجاد امنیت اجتماعی، برخورد با فتنه‌گران و توطئه‌چینان، مقابله با استثمارگران و مستکبران، اجرای عدالت و حفظ و نشر اسلام تلاش کردند امام خمینی نیز با تأسی به سیره آن دو بزرگوار در این مسیر گام برداشتند و سیره عملی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را الگو و چراغ راه خویش قرار داد و به اجرا و انجام آن وظایف همت گمارد. ایشان در موارد مختلف به سیره عملی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در امر حکومت‌داری استناد کرده است..

## فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، **شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید**، تحقیق و تصحیح:

ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آية الله المرعشی النجفی، چاپ اول.

ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، (۱۴۰۹ق)، **أسد الغابة فی معرفة الصحابة**، بیروت، دار الفکر.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ش)، **الخصال**، قم، چاپ اول.

ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، **الإصابة فی تمييز الصحابة**، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و

علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ق)، **دعائم الإسلام**، تحقیق و تصحیح: فیضی، آصف، قم، مؤسسه

آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم.

ابن خلدون، عبدالرحمان، (۱۴۰۸ق)، **دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوی**

**الشان الأكبر**، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم.

ابن شهر آشوب محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، **مناقب آل ابی طالب عليهم السلام**، قم، علامه، چاپ اول.

ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، (۱۴۱۲ق)، **الإستیعاب فی معرفة الأصحاب**، تحقیق: محمدعلی بجاوی، دار

الجيل، بیروت، چاپ اول.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، تحقیق و تصحیح: جمال الدین میردامادی، چاپ سوم،

بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.

ابن هشام حمیری معافری، (بی تا)، **السيرة النبوية (لابن هشام)**، بیروت، دار المعرفة.

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ق)، **البدایة و النهایة**، بیروت، دارالفکر.

أبو أحمد حمید بن مخلد بن قتیبة معروف به ابن زنجویه، (۱۴۰۶ق)، **الأموال لابن زنجویه**، تحقیق: شاکر ذیب

فیاض، مرکز الملك فيصل للبحوث والدراسات الإسلامية، السعودية، چاپ اول.

ابو الربیع حمیری کلاعی، (۱۴۲۰ق)، **الاكتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله (ص) و الثلاثة الخلفاء**، دارالکتب

العلمیة، بیروت، چاپ اول.

آشوری، داریوش، (۱۳۷۳ش)، **دانشنامه سیاسی**، تهران، مروارید، چاپ سوم.

بروجردی، آقا حسین، (۱۳۸۶ش)، **جامع أحادیث الشيعة (للبروجردی)**، تهران، چاپ اول.

بروجردی، آقا حسین، (۱۳۸۶ق)، **منابع فقه شیعه، ترجمه جامع أحادیث الشيعة**، تهران، چاپ اول.

بستانی، فؤاد افرام، (۱۳۷۵ش)، **فرهنگ ابجدی**، تهران، بی نا، چاپ دوم.

بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۹۴ق)، **انساب الأشراف**، تحقیق محمد باقر المحمودی، بیروت، مؤسسه الأعلمی

للمطبوعات، چاپ اول.

بیهقی، ابو بکر احمد بن الحسین، (۱۴۰۵ق)، **دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة**، تحقیق عبد المعطی

قلعجی، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.

وظایف حکومت اسلامی  
در سیره عملی پیامبر و  
امام علی در منظومه  
فکری امام خمینی

بیهقی، ابو الفضل محمد بن حسین، (۱۴۲۴ق)، *السنن الکبری*، تحقیق محمد عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ دوم.

ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، (۱۳۹۵ق)، *الغارات*، تحقیق و تصحیح: محدث، جلال الدین، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ اول.

جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۳ش)، *سبک و سیره اهل بیت در عرصه جامعه سازی*، قم، مجمع جهانی اهل بیت، چاپ اول.

حراعلی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم، چاپ اول.

حسینی، محمد بهاء الدین، (۱۳۸۲ش)، *یاده ناب*، کردستان/سندج، چاپ اول.

حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد، (۱۳۸۰ش)، *الحیاه*، ترجمه احمد آرام، تهران، چاپ اول.

خمینی، روح الله، (۱۴۳۴ق)، *ولایت فقیه* موسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی، تهران، چاپ بیست و نهم.

خمینی، روح الله، (۱۳۷۸ش)، *جهاد اکبر*، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.

خمینی، روح الله، (۱۳۹۲ه.ش)، *دروس تفسیر سوره حمد جهاد اکبر یا مبارزه با نفس*، نامه های اخلاقی - عرفانی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ اول.

خمینی، سیدروح الله، (۱۳۸۹ش)، *صحیفه امام*، تهیه و تنظیم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران،

موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.

خمینی، روح الله، (۱۳۷۲ش)، *استفتائات للإمام الخمینی*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات

اسلامی، قم، چاپ اول.

خمینی، روح الله، (۱۳۸۰ش)، *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم،

چاپ بیست و چهارم.

داودی، محمد و حسین زاده، سیدعلی (۱۳۸۹ش)، *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت*، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه

و دانشگاه.

دیار بکری، شیخ حسین، (بی تا)، *تاریخ الخمیس فی أحوال أنفیس النقیس*، بیروت، دار الصاد.

ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، (۱۴۱۳ق)، *تاریخ الاسلام و وقیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبد

السلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ دوم.

رازی، ابوعلی مسکویه، (۱۳۷۹ش)، *تجارب الأمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، چاپ دوم.

سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، کتابخانه عمومی حضرت آیت

الله العظمی مرعشی نجفی، قم، چاپ اول.

صالحی شامی، محمد بن یوسف، (۱۴۱۴ق)، *سبیل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد*، تحقیق عادل احمد عبد

الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.

طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق)، *مکارم الأخلاق*، قم، چاپ چهارم.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران، چاپ سوم.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الأحكام**، تحقیق و تصحیح: خراسان، حسن الموسوی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

عمید، حسن، (۱۳۷۵)، **فرهنگ عمید**، امیرکبیر، چاپ پنجم.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵ش)، **روضه الواعظین و بصیرة المتعظین** (طبع القديمة)، قم، چاپ اول.

فرهیخته، شمس الدین، (۱۳۷۷ش)، **فرهنگ فرهیخته**، زرین، چاپ قیام، چاپ اول.

فیاض، محمد اسحاق، (۱۳۹۲ش)، **الگوی حکومت اسلامی**، ترجمه محمدجواد برهانی، کابل - افغانستان / دبیرخانه کنگره تجلیل از مقام علمی آیت الله العظمی فیاض.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، **الوافی**، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول.

فیومی، أحمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**، قم، مدارالهجرة، چاپ دوم.

مارسل بوازار، (۱۳۸۱ش)، **اسلام و حقوق بشر**، ترجمه محمد مؤیدی، تهران، خانه اندیشه.

متقی هندی، (۱۴۰۱ق)، **کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال**، تحقیق بکری حیانی - صفوة السقا، بی جا، مؤسسه الرسالة، چاپ پنجم.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۶ق)، **ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار**، قم، چاپ اول.

مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، (۱۴۰۶ق)، **روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه** (طبع القديمة)، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، چاپ دوم.

مسعودی، أبو الحسن علی بن حسین، (۱۳۶۵ش)، **التنبیه والإشراف**، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.

مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۷۴ش)، **آفرینش و تاریخ**، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگاه، چاپ اول.

مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، (۱۴۲۰ق)، **إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع**، تحقیق محمد عبدالحمید النمسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ دهم.

نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.

واقدی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، **کتاب المغازی**، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ دوم.

ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ق)، **مجموعه وزام**، قم، چاپ اول.

وظایف حکومت اسلامی  
در سیره عملی پیامبر و  
امام علی در منظومه  
فکری امام خمینی